



Scientific-research Quarterly of Law Knowledge of Khatam Al-Nabieen University



Alternative care period to imprisonment, a solution for the offender's socialization

Eidmohammad Ahmadi

Abstract

In recent years, the thorough examination of the predominant reliance on imprisonment as a form of punishment has garnered considerable attention. It has been demonstrated that the measure of imprisonment frequently falls short of achieving the objectives of criminal justice, and in specific instances, may exacerbate an individual's criminal behavior, thereby perpetuating the cycle of recidivism. Addressing this predicament and challenge necessitates a profound transformation in criminal justice policy, wherein a greater emphasis on "developing alternatives to incarceration" aligns with this essential shift. This article, aiming to realize the goals of criminal justice, particularly those pertaining to the reformation and reintegration of the offender into society, explores the "alternative to imprisonment supervision period," which embodies a community-centered approach, within the framework of Afghanistan's legal order. It theoretically analyzes and evaluates the types, conditions, effects, and benefits from the perspective of the country's penal laws (Penal Code and the Manner of Implementing Alternatives to Imprisonment and Detention). By continuing this discourse and utilizing criminological data, the application of the alternative to imprisonment supervision period not only bolsters public safety but also augments social justice, security, and collective well-being, as it equips the convicted individual with vocational skills, professional training, and insights into social interaction and a better life, instead of transferring them to prison. The positive effects and outcomes of the effective and proper implementation of this policy for society make its adoption and operationalization justifiable and acceptable.

Keywords: Imprisonment Punishment, Challenges, Criminological Data, Alternative to Imprisonment, Supervision Period, Effects and Outcomes.



دوره مراقبت بدیل حبس، راهکار جامعه پذیری مرتکب

عید محمد احمدی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

چکیده

در سال های اخیر، بررسی کامل وابستگی غالب به حبس به عنوان نوعی مجازات، مورد توجه قرار گرفته است. ثابت شده است که تدبیر جزای حبس اغلب در تحقق اهداف عدالت جزایی ناکام می ماند و در موارد خاص ممکن است رفتار مجرمانه شخص را تشدید کند و در نتیجه چرخه بازگشت مجدد به ارتکاب جرم را تداوم بخشد. رسیدگی به این معضل و چالش مستلزم تحول عمیق در سیاست عدالت جزایی است، که در آن تمرکز بیشتر بر «توسعه گزینه های بدیل حبس» با این تغییر ضروری همسو است. این مقاله با هدف تحقق اهداف عدالت جزایی، به ویژه اهداف مربوط به اصلاحات و ادغام مجدد شخص خاطی به جامعه، «دوره مراقبت بدیل حبس» را که مظهر رویکرد جامعه محور است، در چهارچوب نظم حقوقی افغانستان، به بررسی گرفته است. انواع، شرایط و آثار و فواید آن را از نگاهی قوانین جزایی کشور (کد جزا و طرز تطبیق بدیل حبس و حجز) مورد تحلیل و ارزیابی نظری قرار داده است. با ادامه این گفتمان و استفاده از داده های علوم جنایی، کاربرد دوره مراقبت جایگزین برای حبس نه تنها امنیت عمومی را تقویت می کند، بلکه باعث افزایش عدالت و امنیت اجتماعی و رفاه جمعی می شود؛ زیرا فرد محکوم را به جای اینکه او را به محبس منتقل کند، به مهارت های کاری، آموزش حرفه ای و بینش در مورد تعامل اجتماعی و زندگی بهتر آماده می کند. آثار و نتایج مثبت اجرای مؤثر و درست این سیاست برای جامعه، پذیرش و عملیاتی کردن آن را قابل توجیه و قابل قبول می کند.

واژگان کلیدی: مجازات حبس، چالش ها، داده های علوم جنایی، بدیل حبس، دوره مراقبت، آثار و نتایج.

بدیهی است که هدف اصلی سیاست جزایی پایدار، تقویت انسجام و تداوم زندگی جامعه (شامل نهادهای دولتی و جامعه مدنی) از طریق پاسخگویی مناسب به نیازهای امنیتی افراد، اموال و جامعه است. مکانیسم‌های دستیابی به این هدف معمولاً از طریق تدابیر جزایی و غیرجزایی دنبال می‌شود. روشن است که هر سیاست جنایی که از توانایی‌های اجتماعی استفاده کند، نتایج بهتری را در تحقق این اهداف به همراه خواهد داشت. از این نظر (استفاده از ظرفیت اجتماعی)، سیاست جنایی در افغانستان در طول تاریخ قانون‌گذاری و قضایی آن عمدتاً به سمت جزاگرایی متمایل شده است و جامعه مدنی دارای جایگاه حقوقی محدود و حداقل نقش عملی در تدوین سیاست‌های جزایی و در مدیریت مسائل اجتماعی و قضایی داشته است. آمار مربوط به جرم‌انگاری‌ها، میزان و نوع مجازات‌ها، به‌ویژه آمار مربوط به مجازات حبس بر این رویکرد صحنه می‌گذارد.

اما شکل‌گیری آموزه‌های نوین علمی در سال‌های اخیر، اثبات ناکارآمدی مجازات سالب‌آزادی، مشکلات اداره محابس، تحمیل هزینه‌های اقتصادی و سایر آسیب‌های حاصل از آن، موجب تغییراتی در خط‌مشی قانون‌گذار شده است. در نتیجه این تغییرات، امروزه حبس همچون یک پاسخ اصلاحی و درمانی برای عمل مجرمانه نگریسته نمی‌شود؛ بلکه جزای حبس دارای مشکل قانونی و ساختاری انگاشته شده که سلامت جامعه را به چالش کشیده است؛ از این رو قانون‌گذار بر آن است تا با اعمال پاسخ‌های جامعه‌محور میزان این مشکل را کاهش دهد.

تا آنجایی که جستجو به عمل آمد، در موضوع دوره مراقبت جایگزین حبس، تحقیق و کار جمعی در کشور انجام نشده است و تنها شرح کد جزا (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۴۳۵) به صورت مختصر به این مهم پرداخته است. اکنون با تأثیرپذیری از داده‌های علوم جنایی و تجربه نظام قضایی تغییر چشم‌گیری در رویکرد قانون‌گذار پیش آمده و با وضع و تصویب کد جزای افغانستان در سال ۱۳۹۶ روزه‌ای برای اصلاح، درمان و بازپذیری محکومان به وجود آمده و با تصویب واکنش‌های جامعه‌وی در ساختار «بدیل‌های حبس»، این امکان را بیش از گذشته فراهم کرده است. حال با افزایش مجازات‌های جایگزین حبس و در نظر گرفتن پاسخ‌های جامعه‌وی باعث کاهش آمار محبوسین و امکان تغییر و بهبود وضعیت



زندان‌ها را تا حدودی زیادی فراهم کرده است؛ زیرا اعمال و تطبیق جایگزین‌ها، نویدبخش پدیداری سیاست جنایی مشارکتی (جزایی و غیر جزایی) خواهد بود که از آموزه‌های جدید مکتب دفاع اجتماعی نوین، دانش جزاشناسی و جرم‌شناسی الهام گرفته است.

رویکرد جدید قانون‌گذار نسبت به جایگزین‌های غیر جزایی و جامعی برای پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان متأثر از این آموزه‌های نوپاست. حال طرح این مسئله نیز گریزناپذیر است که باوجود تحولات تقنینی صورت گرفته در کد جزا، اما رویکرد نظام قضایی به جایگزین‌ها در زمانه‌ای خود، چشمگیر نبوده، فرهنگ‌سازی و هضم نشده بود؛ ازاین‌رو چندان مورد حکم و تطبیق قرار نگرفت و این نوشتار به جنبه نظری و تئوریک مسئله تمرکز دارد و کاوش در زمینه عملی آن را فراهم نمی‌بیند. باوجوداین، بیان اهمیت و ضرورت تحقیق در این است که، به اضافه وضعیت موجود، آموزش و پویا نگاهداشتن تنوع واکنش اجتماعی و آگاهی از یافته‌های جدید علوم جنایی در برابر پدیده جرمی و به‌ویژه تدبیر «دوره مراقبت» به‌عنوان جایگزین حبس، ازیک‌سو و آگاهی از تجربه موفق کشورها در استفاده از دوره مراقبت و تأثیر آن بر کاهش جرم ازسوی دیگر، اهمیت و ضرورت تحقیق در مورد تدبیر «دوره مراقبت» را بیش‌ازپیش آشکار می‌نماید. ازاین‌رو، اصل مسئله و پرسش‌های تحقیق از این قرار است: جایگاه دوره مراقبت در نظام جزایی کشور چیست؟ شرایط و موارد آن کدام است؟ کاربرد این تدبیر چه فوایدی را برای مرتکب و جامعه به همراه دارد؟ این نوشتار درصدد پاسخ‌بایی به این پرسش‌ها در نظام قانون‌گذاری و جزایی کشور است.

الف) تعریف مفاهیم و شرایط دوره مراقبت

دوره مراقبت هرچند روشی ارفاق‌آمیز برای اجتناب از مجازات سالب آزادی محسوب می‌شود، اما هشداری که برای خودداری از ارتکاب اعمال مجرمانه در دوره مراقبت به محکوم‌علیه داده می‌شود، تضمینی است برای انجام دستورات محکمه و اصلاح مرتکب. دستوراتی که در این دوره تعیین و صادر می‌شود خود نوعی ضمانت اجراست که وصف جزایی این اقدام جایگزین را پوشش می‌دهد؛ زیرا برخی از دستوراتی که محکوم‌علیه در دوره مراقبت ملزم به اجرای آنها می‌شود، از قبیل خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین یا خودداری از رفت‌وآمد به محل‌های معین خود اقدامی جزایی محسوب می‌شود. بدین ترتیب، تعریف آن به قرار ذیل است:



۱. دوره مراقبت

این تدبیر را از نظر حقوقی می‌توان چنین تعریف کرد: «آزادی محکوم به حبس در مدت معین با نظارت نهاد مجری^۱ برای انجام دستور یا دستورهای خاصی که مرتکب را اصلاح و باز اجتماعی می‌کند». از بابت قانونی «دوره مراقبت مدتی است که طی آن محکمه شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حداکثر پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد^۲ ذیل محکوم می‌نماید».^۳ این تعریف، تعریفی گویا و روشن است و تنها نقد در کلمه «متهم» است که در تعریف قانونی آمده است؛ زیرا این فرد از مرحله اتهام گذشته و مجرمیت آن به اثبات رسیده است و مناسب کاربرد کلمه «مرتکب» است. این اشکال در ماده ۱۳ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز نیز تکرار شده است. به این ترتیب، دوره مراقبت با شرایط و آثار مقرر یکی از موارد جایگزینی مجازات حبس محسوب می‌شود. پس از تعریف دوره مراقبت، به بررسی شرایط کاربرد آن و مسئولیت‌های محکوم‌علیه و وظایف محکمه در اعمال سیاست دوره مراقبت پرداخته می‌شود.

۲. شرایط استفاده از دوره مراقبت

دوره مراقبت به حیث بدیل حبس، تدبیری است قانونی و قضایی با هدف پیشگیری از تکرار جرم، اصلاح و بازاجتماعی شدن مرتکب مورد حکم قرار می‌گیرد؛^۴ از این رو، محکمه در اتخاذ چنین تدبیری، اوضاع و احوال حاکم بر واقعه مجرمانه، خصوصیات و سوابق مجرم و کیفیت ارتکاب جرم را بررسی نموده، جهات و شرایط آن را باید احراز نماید و تطبیق آن را برای اصلاح مرتکب و پیشگیری از تکرار جرم مؤثر و مفید تشخیص دهد. به بیان دیگر، برای

۱. ماده ۱۵۴ کد جزا و فقره ۱ ماده ۵۶ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز: «وزارت عدلیه، امور داخله، وزارت کار، امور اجتماعی و... مکلف‌اند، برای نظارت از تنفیذ حکم بدیل حبس یا حجز، ... مرجع نظارت‌کننده را ایجاد و کارکنان آن را توظیف نمایند».

۲. موارد دوره مراقبت در صفحات آینده مفصل بحث شده است.

۳. ماده ۱۵۸ کد جزا و ماده ۱۳ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز.

۴. ماده ۱ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز.

تصمیم‌گیری این تدبیر احراز شرایط عمومی^۱ و شرایط ویژه دوره مراقبت نیز احراز شود. به همین جهت اگرچه محکمه در اتخاذ یا عدم اتخاذ چنین تصمیمی اختیار دارد،^۲ ولی هرگاه تصمیم به استفاده از آن بگیرد، براساس فقره ۲ ماده ۱۵۱ کد جزا، باید دلایل و جهات آن را در حکم خود تصریح نماید. شرایطی را که در تصمیم به دوره مراقبت باید احراز شود، قانون‌گذار هم در کد جزا و هم در قانون طرز تطبیق بدیل حبس و حجز مشخص کرده است. این شرایط یا به شخص مرتکب یا به جرم ارتكابی یا به وظایف محکمه ارتباط پیدا می‌کند.

۱-۲-۲. شرایط مربوطه به مرتکب

این شرایط به سوابق محکوم‌علیه، وضعیت اجتماعی وی و تکالیفی مربوط می‌شود که ممکن است انجامش از او خواسته شود.

الف) اخذ رضایت از مرتکب

به‌طورکلی، یکی از اهداف اصلی و مهم صدور آرای جایگزین حبس موضوع اصلاح و بازپروری مرتکب و مهیا کردن شرایط بازگشت او به جامعه است که دستیابی به این مهم با توجه به شرایط ارتكاب جرم، نوع جرم و شخصیت مجرم میسر است. این نکته به‌صراحت در ماده ۱۴۹ کد جزا ذکر شده است.^۳ تدبیر بدیل حبس که روی شخصیت فرد تمرکز بیشتر دارد، رضایت او را در پذیرش محکومیت به دوره مراقبت لازم دانسته است.^۴ در این صورت محکمه ناگزیر است که نوعی بدیل حبس را برای محکوم به‌صراحت اعلان کند و در صورت موافقت او به محکومیت به دوره مراقبت، می‌تواند حکم را اعلان نماید.

^۱. شرایط عمومی در ماده ۱۵۱ و ۱۵۳ کد جزا و فقره ۱ ماده ۴ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز بیان شده است. این شرایط در مقالات از این نگارنده تبیین شده است.

^۲. مطابق فقره ۱ ماده ۱۵۱ کد جزا استفاده از این تدبیر اختیاری است.

^۳. «جزاهای بدیل حبس با نظرداشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، شخصیت مرتکب، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت مجنی علیه، نتایج ناشی از ارتكاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود».

^۴. فقره ۱ ماده ۷ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز.



ب) جبران ضرر وارده و کسب رضایت متضرر

دوره مراقبت که نوعی ارفاق در حق مرتکب تلقی می‌شود، نباید باعث تضییع حقوق الناس شود و جامعه در مورد حق شخصی افراد نمی‌تواند تصمیم بگیرد که گذشت کند یا هر امری دیگری. به همین دلیل قانون‌گذار هم جبران ضرر مالی و هم رضایت متضرر شخصی را در اتخاذ تصمیم دوره مراقبت شرط دانسته است. فقره ۱ ماده ۴ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز به‌صراحت آن را بیان کرده است: «و در صورت داشتن شرایط ذیل به بدیل حبس محکوم می‌نماید: ۱. پرداخت خسارت وارده؛ ۲. کسب رضایت متضرر». جبران ضرر و کسب رضایت متضرر از وجیهه شخصی مرتکب است.

اهمیت اساسی عمل قضایی در تعیین حقوق و اجرای عدالت نهفته است. بنابراین، جبران ضرر مالی به‌عنوان پیش‌شرط صدور حکم دوره مراقبت هم مطلوب و هم قابل‌توجیه است؛ اما الزام به اخذ رضایت از متضرر به‌عنوان یک شرط ممکن است چالش‌هایی را برای اجرای عملی این تدبیر ایجاد کند؛ زیرا ممکن است قربانی تمایلی به موافقت با چنین حکمی نداشته باشد. ابعاد مالی حق شخصی افراد است و می‌تواند به‌عنوان پیش‌شرط در نظر گرفته شود و تا زمانی که چنین حقی ادا نشود، محکمه مجاز به استفاده از واکنش ارفاقی نباشد. برعکس، در مورد تعیین نوعی مجازات که به‌عنوان جایگزین حبس عمل می‌کند، این یک حق عمومی محسوب می‌شود؛ بنابراین شرط رضایت متضرر نامناسب به نظر می‌رسد.

ج) وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه

به‌موجب ماده ۱۴۹ کد جزا،^۱ برای صدور حکم دوره مراقبت باید محکمه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم‌علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، اجرای مجازات حبس را مناسب نداند. بااینکه صدور حکم و اجرای دوره مراقبت برای محکمه اختیاری است، باوجوداین، مقنن محکمه را مکلف نموده است که برای صدور دوره مراقبت وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم‌علیه و اوضاع و احوالی را که موجب ارتکاب جرم شده است، مورد ملاحظه قرار داده و شایستگی مجرم را از این نظر احراز نماید. هرچند

^۱ «جزاهای بدیل حبس با نظرداشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت معنوی علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود».

قانون‌گذار نحوه شناسایی شخصیت و رفتار مرتکب و سوابق زندگی وی و اوضاع و احوال زمان ارتکاب جرم را معین نکرده است و تشخیص آن را به قاضی سپرده، اما به هر حال، توجه به مدارک و اوراق دوسیه و ملاحظه سجل جزایی و بررسی شخصیت فردی، تمایلات و رفتار اجتماعی و شغلی و خانوادگی، سوابق بیماری، دوران کودکی وضعیت تحصیلی و تمام اموری که به هر نحوی مرتکب از آن طریق با اطرافیان و جامعه ارتباط داشته است و سوابق او محسوب می‌شود، می‌تواند برای محکمه ملاک ضرورت دوره مراقبت قرار گیرد که ممکن است با تأثیر در شخصیت مرتکب و جلوگیری از تکرار جرم مفید واقع شود.

برای تشخیص موقعیت مرتکب، در برخی از کشورها از پرونده شخصیت او استفاده می‌شود و معمولاً برای هر محکوم یک دوسیه شخصیت تشکیل می‌شود و در این گونه مواقع با توجه به دوسیه شخصیت تصمیم لازم گرفته می‌شود (آنسل، ۱۳۸۲، ص ۸۱) در افغانستان مقرراتی در زمینه تشکیل دوسیه شخصیت در مرحله رسیدگی به جرم پیش‌بینی نشده است، تا هنگام صدور حکم دوره مراقبت مورد استفاده قرار گیرد و این خلأ قانونی وظیفه قاضی را دشوارتر می‌کند. به هر حال، سوابق محکوم علیه باید برای محکمه غیر مناسب بودن مجازات حبس را روشن نماید تا بتواند توجیهی برای صدور حکم به دوره مراقبت در اختیار داشته باشد.

د) تعهد بر انجام دستورات محکمه و عدم تکرار جرم

از شرایطی که در صدور حکم بدیل حبس رعایت می‌شود، تعهداتی است که محکمه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات دوسیه از محکوم علیه می‌خواهد و نوع این تعهدات در جزء ۳ و ۴ فقره ۱ ماده ۴ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز مشخص شده است.^۱ این شرایط باید هنگام صدور حکم به صورت واضح به شخص اعلان شود و او آگاهانه شرایط این تدبیر را بپذیرد تا زمینه اثرگذاری آن بر محکوم علیه فراهم شود.

۲-۲-۲. شرایط مربوط به نوع جرم ارتكابی

ماهیت جرم ارتكابی و نوع آن بیانگر میزان خطرناکی مجرم و تشخیص امکان اصلاح وی و تأثیر اقدامات مراقبتی دوران دوره مراقبت در پیشگیری از تکرار جرم می‌باشد. به همین جهت

^۱ «تعهد مبنی بر رعایت شرایط مندرج حکم و اجرای صادقانه قواعد مربوطه» و «تعهد مبنی بر عدم تکرار جرم

مرتکبین جرائم جنایی^۱ و مهم یعنی جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرائم تروریستی، مجرم مکرر و سایر جرائم سنگینی که در فقره ۳ ماده ۱۵۱ کد جزا و ماده ۱۰ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز مشخص شده از شمول مقررات دوره مراقبت خارج شده‌اند. در بخش نوع جرم، محکمه با احراز دو شرط می‌تواند از دوره مراقبت استفاده کند: یکی مرتکبین جرم از جرائم قباحت و جنحه باشند و دوم جرم جنحه از جرائم فقره ۳ ماده ۱۵۱ کد جزا و ماده ۱۰ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز نباشد. به نظر می‌رسد این دو شرط تأثیر تدبیر مجازات جامعی را مدنظر قرار داده و در مورد مرتکبین نسبتاً سبک اثرگذار تلقی شده است؛ لکن در مورد مرتکبین جنایی و جرائم سنگین ممکن است واکنش از نوع دوره مراقبت باعث جرئت بیشتر آنان شود و هم افکار عمومی جامعه آن را نپذیرد.

بنابراین، از آنجایی که اعطای دوره مراقبت بیانگر نوعی ارفاق است، قانون‌گذار افراد مشمول این حکم را با توجه به نوع مجازات آنها که غالباً مربوط به جرائم مهم و جنایی است، فاقد چنین ارفاقی شمرده و اقدامات مراقبتی نسبت به آنان را بی‌تأثیر دانسته است. پس از اثبات شرایط و احراز دو شرط ماهوی برای صدور حکم دوره مراقبت، نوبت به تعهدات محکوم علیه می‌رسد.

۳. تعهدات محکوم علیه در دوره مراقبت و ضمانت اجرای آن

در دوره مراقبت محکوم علیه باید وظایف سپرده شده از طرف محکمه را عملی کند و اختیار محکمه هم در صدور حکم بدیل حبس، نوعی عمل قضائی است که مستلزم رعایت شرایط قانونی و احراز جهاتی است که اعمال این سیاست را برای اصلاح و درمان و پیشگیری از تکرار جرم توجیه می‌نماید. این شرایط و موجبات در واقع وظایف شکلی محکمه در صدور دوره مراقبت می‌باشد که رعایت آنها از مقدماتی صدور حکم می‌باشد. همچنین، محکمه برای نیل به اهداف این تدبیر قضائی تکالیفی را برای محکوم علیه در نظر گرفته و دستورات موردنظر را در این باره صادر می‌نماید و در نهایت هشدار لازم را برای اجتناب از تخلف از این

^۱ «محکمه می‌تواند مرتکب جرمی را که حداکثر جزای معین قانونی آنها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام این قانون به جزای بدیل حبس محکوم نماید».

دستورات یا ارتکاب جرم در دوره مراقبت به محکوم علیه ابلاغ می‌کند که خود نوعی سازوکار ضمانت اجرای این تدبیر از طرف محکوم علیه می‌باشد.

۱-۳. مصادیق تعهدات دوره مراقبت

محکمه براساس فقره ۲ ماده ۱۵۱ کد جزا دلایل و موجبات دوره مراقبت و دستوراتی که محکوم علیه در مدت دوره مراقبت باید از آن تبعیت نماید، مشخص کند و در ماده ۱۵۸ کد جزا تمام مصادیق دوره مراقبت بیان شده است: «دوره مراقبت مدتی است که طی آن محکمه شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حداکثر پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد ذیل محکوم می‌نماید:

- ✓ اقامت در محل معین؛
- ✓ منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین؛
- ✓ ملزم کردن به اشتراک در جلسات مشورتی ماهانه یا کمتر از آن؛
- ✓ حرفه‌آموزی یا گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارتی؛
- ✓ مساعدت به مجنی علیه در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم و کسب رضایت مجنی علیه؛
- ✓ حاضری دادن به دفتر پولیس یا مرجعی که محکمه تعیین می‌نماید؛
- ✓ ترک معاشرت با اشخاصی که محکمه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می‌دهد؛
- ✓ منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید؛
- ✓ الزام به فراگیری تعلیم و تربیت، آداب و معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پایبندی به آن؛
- ✓ اقدام به درمان اختلال‌های روانی، رفتاری و جسمانی.

یکی از مهم‌ترین وظایف محکمه این است که در حکم خود مدت دوره مراقبت را تصریح کند که حداکثر از پنج سال نمی‌تواند بیشتر باشد و میزان تعیین مدت در این چهارچوب را برحسب نوع جرم و جهات شخصی مجرم و با رعایت سایر جهات تعیین می‌نماید. اگرچه





محکمه در صدور حکم دوره مراقبت صلاحیت اختیاری دارد، اما اگر تصمیم به دوره مراقبت گرفت، باید مستدل بوده و جهات آن را نیز در حکم خود ذکر نماید.^۱

در هر صورت، این ماده دوره مراقبت را تعریف و شرایط کلی تعیین و تطبیق آن را مشخص کرده است. بنابراین، دوره مراقبت یک مدت زمانی است که محکمه در صورت احراز شرایط کلی استفاده از بدیل حبس، شخص را حداکثر تا پنج سال به اجرا و رعایت یک یا چند مورد از موارد که در اجزای مختلف این ماده، مشخص شده، محکوم می‌کند. از این ماده استفاده می‌شود که اصدار حکم «دوره مراقبت» غیر از شرایط کلی که در مواد قبلی کد جزا پیش‌بینی شده، نیازمند شرایط خاصی دیگر نیست. باید تأکید کرد که حکم به دوره مراقبت حداکثر از پنج سال بیشتر جواز ندارد و برابر ماده ۱۵۸ کد جزا و ماده ۱۳ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز محکمه با توجه به ماده ۱۴۹ کد جزا، ملاحظه احوال و اوضاع ارتکاب جرم، شخص مرتکب را به یک مورد یا چند مورد دوره مراقبت محکوم می‌کند.

الف) اقامت در محل معین

هرگاه آزادی در انتخاب زندگی و محل اقامت زمینه ارتکاب جرم را برای شخص فراهم نماید، در صورت اظهار رضایت شخص به اقامت در محل معین، محکمه می‌تواند او را به اقامت در محل خاص که محکمه صلاح بداند و او را از ارتکاب جرم مصون نگه دارد، محکوم کند. در این صورت، محکوم علیه مکلف به رعایت و اجرای حکم محکمه می‌باشد. مطابق فقره ۱ ماده ۱۴ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز، منظور از اقامت در محل معین، محکومیت شخص به زندگی در محلی است که شخص در آنجا مطابق صلاحدید محکمه باید زندگی کند.

ب) منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین

اگر بودن یک شخص یا گشت‌وگذار او در مکانی یا اقامت و گشت‌وگذار او در چندین محل شرایط ارتکاب جرم را برای مرتکب فراهم کند، محکمه می‌تواند برای پیشگیری از ارتکاب جرم مجدد، او را به منع اقامت یا به منع گشت‌وگذار در یک مکان یا به منع اقامت یا منع رفت‌وآمد در چندین مکان محکوم نماید. مطابق ماده ۱۵ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز، محل یا محلات که اقامت یا گشت‌وگذار در آنها، برای محکوم علیه جواز ندارد، از

۱. ماده ۱۴۹ کد جزا.

طرف محکمه مشخص می‌شود. برای مثال، شخصی که مرتکب جرم سرقت در محلی شده است و محکمه تشخیص دهد که بودن او در این محل یا گشت‌وگذار او در محل مزبور به احتمال قوی منجر به سرقت دیگر خواهد شد که در این صورت محکمه می‌تواند حکم جزء ۲ ماده ۱۵۸ کد جزا و حکم ماده ۱۵ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز را علیه وی تعیین و تطبیق کند.

ج) ملزم کردن به اشتراک در جلسات مشورتی ماهانه یا کمتر از آن

اصل بدیل حبس از نوع دوره مراقبت، موارد جزء ۱ و ۲ ماده ۱۵۸ کد جزا است و موارد جزء ۳ تا جزء ۱۰ ماده ۱۵۸ کد جزا، با توجه به اوضاع و احوال مرتکب و شیوه ارتکاب جرم، یک مورد یا بیشتر از آن، همراه با حکم جزء ۱ یا جزء ۲ ماده مزبور، مورد حکم محکمه قرار می‌گیرد؛ زیرا مطابق ماده ۱۵۱ کد جزا اصل حکم به بدیل حبس و برابر ماده ۷ قانون تطبیق بدیل حبس و حجز پذیرش آن از طرف مرتکب، اختیاری است و پس از حکم به بدیل حبس و پذیرش آن، رعایت شرایط هر نوع از بدیل حبس از طرف محکوم‌علیه الزامی است. بنابراین، برابر جزء ۳ ماده ۱۵۸ کد جزا و فقره ۱ ماده ۱۶ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز، محکوم‌علیه را به اشتراک در جلسات مشورتی هفته‌وار یا ماهانه مکلف می‌کند. برای مثال، محکمه تشخیص می‌دهد که مرتکب برای رعایت و احترام به قانون یا پیدا کردن شغل، نیاز به مشورت دارد که یک مشاور او را نسبت به این امر کمک کند. در این صورت، همراه با حکم به اقامت در محل معین یا منع اقامت یا منع گشت‌وگذار در یک محل یا چندین محل، او را ملزم می‌کند که در جلسات مشورتی هفته‌وار یا ماهانه نیز شرکت نماید.

فقره ۵ ماده ۱۶ قانون بدیل‌های حبس و حجز ضمانت اجرای خاص برای شرکت در جلسات مشورتی پیش‌بینی کرده است و مطابق حکم این فقره، اگر محکوم‌علیه بدون عذر موجه بیش از یک جلسه در جلسات مشورتی حاضر نشود یا از حضور در چنین جلساتی سرپیچی کند، تخلف از حکم محکمه تلقی شده و حکم مندرج فقره ۲ ماده ۱۵۹ کد جزا بر وی تطبیق می‌شود. مرجع دایر کردن جلسات مشورتی و سایر شرایط آن، در فقره ۳ و ۴ ماده ۱۶ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز بیان شده است.



د) حرفه‌آموزی یا گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارتی

یکی دیگر از تدابیر اصلاحی که در ذیل دوره مراقبت برای محکوم علیه سنجش و پیش‌بینی شده، دوره‌های حرفه‌آموزی، مهارت‌آموزی و آموزش سواد است که شرایط استفاده از آن را، در کنار محکومیت به مفاد جزء ۱ یا جزء ۲ ماده ۱۵۸ کد جزا، فقرات مختلف ماده ۱۷ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز ذکر کرده که به این شرح بیان می‌شود. فقره ۱ ماده ۱۷ قانون یادشده به محکمه اجازه داده است، مرتکبین که یکی از شرایط اجزای این فقره را دارا باشند، او را به آموزش حرفه یا مهارت یا آموزش سواد ملزم کند.

✓ یکی از شرایط این است که ارتکاب جرم ناشی از بیکاری شخص و نداشتن مهارت لازم برای کار باشد. برای مثال، شخص سارق، به دلیل نداشتن مهارت کار، بیکار است و در اثر بیکاری مرتکب جرم سرقت شده است. محکمه او را به آموزش مهارت یا تکمیل آن محکوم می‌کند؛

✓ حالت دیگر این است که شخص مرتکب، بی‌سواد باشد و توان خواندن و نوشتن را نداشته باشد. بی‌سوادی شخص یا به دلیل این است که هرچند زمینه‌ای تحصیل برای او فراهم بوده است، اما از این فرصت استفاده نکرده است یا اینکه اصلاً زمینه تحصیل برای او فراهم نبوده است و فراهم نبودن زمینه تحصیل در جزء ۲ فقره ۱ ماده ۱۷ قانون یادشده مطلق است. شامل نبودن مکتب و معلم از طرف دولت یا بیماری شخص که مانع تحصیل او بوده است یا مشغولیت در کارهای زندگی را شامل می‌شود که در این صورت او را به فراگیری سواد ملزم می‌کند؛

✓ حالت سوم این است که مرتکب، مهارت و حرفه کافی برای کار ندارد و محکمه او را مکلف به مهارت و حرفه‌آموزی می‌نماید تا مهارت و حرفه او تکمیل شود. یا اینکه شخص از یک مهارت و حرفه کافی برخوردار است؛ اما استفاده از این مهارت و حرفه برای کار کردن، هزینه زندگی او را کفایت نمی‌کند. در اینجا محکمه او را به آموزش حرفه یا تکمیل آن مکلف می‌کند.

به این ترتیب، محکمه با توجه به شرایط وضعیت مرتکب، او را به آموزش مهارت یا آموزش حرفه یا آموزش سواد مکلف می‌کند. قانون‌گذار برای رعایت حکم جزء ۴ ماده ۱۵۸ کد جزا و حکم فقره ۱ ماده ۱۷ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز، ضمانت اجرای خاص پیش‌بینی کرده است. فقره ۵ ماده ۱۷ قانون یادشده در طی سه مرحله تخلف از احکام مختلف را به عنوان ضمانت اجرا در نظر گرفته است. اگر محکوم‌علیه بدون عذر موجه، در جلسات آموزشی شرکت نکند یا در صورت شرکت در آن، مقررات مرکز آموزشی را مراعات ننماید، به ترتیب ذیل محکوم به تشدید مجازات می‌شود:

در صورت تخلف، در مرتبه اول، از طرف سارنوالی یا مرجع نظارت‌کننده به محکوم‌علیه اخطار می‌دهد که شرایط و دستورات محکمه را در دوران دوره مراقبت رعایت کند. در صورت تخلف، در مرتبه دوم، موضوع به محکمه فرستاده می‌شود و محکمه با توجه به اوضاع و شرایط می‌تواند دوره مراقبت او را به یک‌ونیم برابر افزایش دهد. برای مثال، مدت الزام اقامت در محل معین را که یک سال بوده، به یک‌ونیم سال افزایش دهد و در صورت صلاحدید، می‌تواند مدت دوره آموزشی محکوم‌علیه را نیز افزایش بدهد. در صورت تخلف، در مرتبه سوم، حکم مندرج ماده ۱۵۹ کد جزا بر محکوم‌علیه تطبیق می‌شود. بقیه شرایط طرز تطبیق دوره مراقبت بر محکوم‌علیه در فقره‌های ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۷ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز بیان شده است.

هـ) مساعدت به مجنی علیه و کسب رضایت مجنی علیه

برخی از حقوقدانان دوره مراقبت را به یک روش از مجازات تعریف کرده‌اند که با ترکیبی از نظارت و مساعدت همراه باشد (کواشی‌هامایی، ۱۳۷۷، ص ۱۵). یکی از شرایطی را که محکمه بر محکوم‌علیه می‌تواند تعیین کند و او را مکلف به رعایت آن نماید، مساعدت و همکاری با متضرر است تا از این طریق خسارت و آسیب مادی یا معنوی متضرر را جبران کند و فقره ۱ ماده ۱۸ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز ضمیمه شماره ۲ ق. ا. ج. جزئیات بیشتری در این ارتباط بیان کرده، به این صورت که محکمه نیازمندی‌ها و شرایط مالی متضرر را در نظر گرفته، مرتکب را افزون بر محکومیت به سایر موارد مراقبت، به تناسب نوع ضرر به مساعدت مالی یا معنوی نیز محکوم می‌کند.



فقره ۲ ماده ۱۸ قانون یادشده، مساعدت مادی را عبارت از جبران خسارت دانسته که در اثر ارتکاب جرم بر متضرر تحمیل شده است. برای مثال، اگر شخصی مرتکب جرم فقرة ۱ ماده ۳۴۷ کد جزا شود و جنگل خصوصی کسی را عمداً آتش بزند، محکمه مرتکب را به جبران خسارت جنگل سوخته شده مکلف می‌کند و ماده ۳۴۹ کد جزا، نیز جبران خسارت مادی را پیش‌بینی کرده است. فقرة ۳ ماده ۱۸ قانون تطبیق بدیل‌های حبس، حمایت معنوی را شامل عذرخواهی و اظهار پشیمانی مرتکب از رفتار جرمی خود در نزد متضرر دانسته است و همچنین، مرتکب تعهد می‌کند که در آینده نسبت به متضرر احترام گذاشته و او را مورد اذیت و آزار قرار نمی‌دهد. برای مثال، مرتکب به دین و باورهای اسلامی یک فرد، توهین و مرتکب جرم ماده ۳۲۳ کد جزا شده است، در این صورت، محکمه می‌تواند او را به معذرت‌خواهی و احترام به ادیان ملزم کند. یا شخص، مرتکب جرم ماده ۶۶۸ کد جزا شده و از طریق گفتار یا حرکات باعث آزار و اذیت زن شده باشد، محکمه می‌تواند او را به معذرت‌خواهی از زن متضرر و تعهد به احترام گذاشتن به او در آینده محکوم نماید و از این طریق رضایت قربانی جرم را نیز حاصل کند.

(و) حاضری دادن به دفتر پولیس یا مرجع مورد نظر محکمه

یکی از موارد دوره مراقبت، اعلان حضور محکوم‌علیه در دفتر پولیس یا هر جایی است که محکمه برای اعلان حضور مشخص می‌کند. برابر فقرة ۱ ماده ۱۹ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز ضمیمه شماره ۲ ق. ۱۰ ج، محکمه در راستای اطمینان از اجرای سایر موارد دوره مراقبت، و با نظرداشت احوال و اوضاع مرتکب او را ملزم می‌کند که به دفتر پولیس محل سکونت یا مرجع رسمی دیگری که به محل سکونت او نزدیک باشد، حاضر شده و اعلام حضور نماید.

فقره ۴ ماده ۱۹ ضمیمه فوق، ضمانت اجرای این شرط را پیش‌بینی کرده که هرگاه محکوم‌علیه بدون عذر موجه بیش از سه بار از حاضری دادن به مرجع تعیین شده سرپیچی کند، محکمه احکام مندرج ماده ۱۵۹ کد جزا را بر او تطبیق می‌نماید. فقره‌های ۲ و ۳ ماده ۱۹ این ضمیمه وظایف مرجعی که برای حاضری دادن مرتکب مشخص شده و شرایط عذر موجه برای عدم حضور مرتکب را بیان کرده است.



ز) ترک معاشرت با اشخاص مُضر

موارد دیگر شرایط دوره مراقبت، دستور به ترک رفت و آمد و ترک زندگی با کسانی است که از نظر محکمه نشست و برخاست با چنین آدم‌هایی ممکن است بار دیگر او را به‌سوی ارتکاب جرم سوق دهد، برای مثال، شخصی مرتکب جرم جزء ۵ ماده ۶۸۶ کد جزا شده و بیش از صد لیتر مواد مسکر را قاچاق کرده است. حال اگر این شخص با یک تعداد افرادی رفت و آمد کند که ممکن است به ارتکاب دوباره قاچاق مواد مسکر منجر شود، در این صورت، محکمه می‌تواند محکوم‌علیه را از رفت و آمد و زندگی با این افراد منع کند.

فقره ۱ ماده ۲۰ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز جزئیات بیشتری راجع به این مسئله پیش‌بینی کرده است و محکمه با توجه به وضعیت مرتکب و به‌منظور پیشگیری از ارتکاب جرم احتمالی دیگر، می‌تواند معاشرت او را با برخی اشخاص منع کند و فقره ۲ ماده ۲۰ قانون فوق، بیان می‌کند که محکمه باید فهرست افرادی را که نباید با آنها معاشرت یا رفت و آمد داشته باشد، مشخص نماید.

ح) منع اشتغال به کارهای معین

مورد دیگری، شرایط دوره مراقبت، ممانعت از کارهایی است که مشغول شدن در آنها، ممکن است باعث ارتکاب جرم مجدد محکوم‌علیه شود. برای مثال، شخصی جنگل‌های خصوصی را آتش بزند و به‌صورت عمدی مرتکب جرم فقره ۱ ماده ۳۴۷ کد جزا شود و جنگل را آتش بزند، در این صورت محکمه می‌تواند او را از شغل جنگلبانی مطابق فقره ۱ ماده ۲۰ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز ضمیمه شماره ۲ ق.ا.ج. منع کند و فقره ۲ همین ماده محکمه را مکلف کرده که شغل‌های ممنوع شده را باید در حکم خود فهرست و مشخص نماید.

ط) الزام به فراگیری تعلیم و تربیت و آداب معاشرت

مورد دیگر، دوره مراقبت، این است که محکمه محکوم‌علیه را مکلف می‌کند که در برنامه آموزشی و تربیتی و یادگیری آداب و روش زندگی خانوادگی و اجتماعی شرکت کرده، خواندن و نوشتن و شیوه زندگی را یاد بگیرد و نسبت به آن پایبند بوده و عمل نماید. فقره ۱ ماده ۲۱ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز ضمیمه شماره ۲ ق.ا.ج، دستور محکمه به فراگیری امور فوق نسبت به کسانی را لازم می‌داند که محکمه بفرموده منشأ ارتکاب جرم، نداشتن تعلیم و



تربیت مرتکب یا ضعیف بودن آداب و روش زندگی باعث ارتکاب جرم شده است. در این صورت، محکمه می‌تواند محکوم‌علیه را به فراگیری تعلیم و تربیت یا دوره آموزشی آداب زندگی خانوادگی و اجتماعی نیز مکلف کند. سایر شرایط و سازوکار اجرای مندرج جزء ۹ ماده ۱۵۸ کد جزا و مندرج فقره ۱ ماده ۲۱ قانون فوق در فقرات ۲ و ۳ ماده ۲۱ این قانون بیان شده است.

ی) اقدام به درمان اختلال‌های روانی، رفتاری و جسمانی

تدبیر مندرج جزء ۱۰ ماده ۱۵۸ کد جزا، در مورد اشخاصی اعمال می‌شود که محکمه تشخیص بدهد ارتکاب جرم آنها ناشی از اختلال و مشکل روانی، رفتاری و جسمانی است. فقره ۱ ماده ۲۲ قانون تطبیق بدیل‌های حبس و حجز بیان می‌کند که اگر مشکل روانی و جسمی در وقوع جرم مؤثر باشد، محکمه، محکوم‌علیه را علاوه بر سایر تدابیر مراقبتی به‌منظور اصلاح وی، برای درمان اختلال روانی و جسمانی به مرکز روان‌درمانی یا صحنی معرفی می‌نماید. شیوه و طرز تطبیق تدبیر مذکور را فقره ۲ و ۳ ماده ۲۱ قانون بدیل‌های حبس و حجز بیان کرده است.

۲-۳. ضمانت اجرای کلی دوره مراقبت

محکوم‌علیه در زمان سپری کردن دوره مراقبت، ممکن است دو نوع تخلف را مرتکب شود که قانون‌گذار برای رعایت حکم محکمه و جلوگیری از تخلف او، به تناسب تخلف ضمانت اجرای مشخصی را پیش‌بینی کرده است: اول تخلف از دستورات در خصوص «دوره مراقبت» که برابر فقره ۱ ماده ۱۵۹ کد جزا اگر محکوم‌علیه، حکم محکمه را در ارتباط به اجرای هرکدام از مصادیق دوره مراقبت، رعایت نکند و با ارتکاب تخلف و نقض تعهد، عدم شایستگی خود را اعلان کند، در این صورت، اگر رعایت نکردن حکم محکمه بار اول باشد، محکمه می‌تواند تا یک‌و نیم برابر دوره مراقبت او را تمدید کند. برای مثال، تدابیر و شرایط دوره مراقبت را رعایت نکرده است و در مکانی که نباید تردد می‌کرد، گشت‌وگذار کرده است و اگر محکمه او را به مدت دو سال از گشت‌وگذار در مکان معین منع کرده باشد، در صورت تخلف، دو سال او را

۱. «(۱) هرگاه محکوم‌علیه حکم محکمه را رعایت ننماید، محکمه می‌تواند برای بار اول تا یک‌و نیم برابر، دوره مراقبت وی را تمدید نماید».

به سه سال دوره مراقبت افزایش می دهد. اگر محکوم علیه برای مرتبه دوم، بدون عذر موجه از اجرای حکم محکمه سرپیچی نماید، محکمه صادرکننده حکم، دوره مراقبت او را لغو کرده و مدت باقی مانده دوره مراقبت را به حبس تنفیذی تبدیل می نماید.^۱

نوع دوم تخلف، ارتکاب جرم جدید است. بدیهی است علاوه بر تکلیف محکوم علیه به اجرای دستورات محکمه، محکوم علیه در مدت دوره مراقبت نباید مرتکب جرم جدیدی شود که لغو قرار دوره مراقبت را ایجاب کند. به موجب ماده ۱۵۲ کد جزا^۲ هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار دوره مراقبت در مدتی که از طرف محکمه مقرر شده است، مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۱۵۸ مذکور نشود، محکومیت دوره مراقبتی او بی اثر محسوب و از سجل جزایی او محو می شود. اما در صورتی که مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۱۵۸ شود با قطعی شدن حکم اخیر، دوره مراقبت او لغو شده و مجازات جرم اخیر و مجازات حبس معلق هر دو درباره او اجرا می شود.^۳ بدین ترتیب، قانون گذار با در پیش گرفتن سیاست جزایی مناسب و با توجه به هدف مهم دوره مراقبت مبنی بر پیشگیری فردی و عدم تکرار جرم، از یک طرف با پیش بینی ضمانت اجرا برای ارتکاب جرم در زمان دوره مراقبت و هشدار به محکوم علیه و از طرف دیگر، با ارفاق به وی مبنی بر محو آثار محکومیت از سجل جزایی در صورت عدم ارتکاب جرم جدید در دوره مراقبت، مرتکب را در تکلیف به عدم ارتکاب جرم جدید مورد حمایت و تشویق قرار داده است.

به این ترتیب، یکی از وظایف محکمه، هنگام صدور قرار دوره مراقبت، باید آثار عدم تبعیت از دستورهای صادره را به صورت صریح و روشن اعلام نماید که اگر در مدت دوره مراقبت، مرتکب تخلف از مقررات خود تدبیر دوره مراقبت شود، پیامد آن افزایش دوره مراقبت یا لغو آن خواهد بود که در فرض دوم، حبس معلق برگشته، علیه او تنفیذ و تطبیق می شود. در

۱. «(۲) هرگاه محکوم علیه از اجرای فیصله محکمه برای بار دوم خودداری نماید، محکمه صادرکننده حکم، مراقبت را لغو و مدت باقی مانده دوره مراقبت را به حبس تنفیذی تبدیل می نماید».

۲. «هرگاه محکوم علیه حین سپری نمودن جزای بدیل حبس به اتهام جرم دیگری محکوم به حبس شود، مدت باقیمانده جزای بدیل حبس، به حبس تنفیذی تبدیل و با مجازات جرم جدید یک جا تطبیق می شود».

۳. ماده ۵۷ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز نیز با صراحت این حکم را اعلان کرده است.



صورت ارتکاب جرم مجدد، باید پذیرای دو مجازات حبس جداگانه باشد. همه این سازوکار به هدف پیشگیری و اصلاح مرتکب قابل ارزیابی است.

در این راستا، نقطه قوت کد جزا و طرز تطبیق بدیل حبس و حجز این است که علاوه بر وظایف محکمه، برای نظارت در اجرای دقیق حکم دوره مراقبت، نهاد ویژه را پیش بینی کرده است. ماده ۵۶ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز، برخی وزارتخانه‌ها را موظف کرده که مرجع نظارت‌کننده را ایجاد و مشخص نمایند و ماده ۵۹ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز، شیوه متنوعی از نظارت را مشخص کرده است. فقره ۲ این ماده تکلیف وضعیت عدم موجودیت مرجع نظارت‌کننده را نیز روشن کرده است و در صورت نبود مرجع نظارت یا دسترسی نداشتن به آن، محکمه فرد قابل اعتماد یا کارکن اجتماعی را به عنوان ناظر بر رفتار محکوم علیه انتخاب می نماید.

در هر صورت تنها هشدار به محکوم علیه برای عدم تخلف از دستورات محکمه و عدم ارتکاب جرم جدید کافی به نظر نمی رسد؛ زیرا دوره مراقبت با هدف اصلاح مجرم و پیوند او با جامعه پیش بینی می شود. کنترل و مراقبت از محکوم علیه و اجرای دقیق دستورات محکمه و برنامه ریزی برای بازسازی مجرم نیازمند نیروهای متخصص و تشکیلات منظمی است که تحت نظر محکمه برنامه های اصلاحی را اجرا و دستورات محکمه را به اجرا بگذارند و این مهم در کد جزا و طرز تطبیق لدیل حبس و حجز به خوبی پیش بینی شده است.

در برخی کشورهای دیگر نیز اداره های مخصوص این وظایف را به عهده داشته و از مددکاران و مأموران متخصص در این زمینه استفاده می شود.^۱ برای مثال، در فرانسه محکومینی از دوره مراقبت بهره مند می شوند که در دوره آزمایش «در اختیار یکی از مددکاران اجتماعی یا مأموران وابسته به اداره نظارت در دوره مراقبت مجازات گذاشته شده و مورد کنترل و مراقبت دائمی قرار می گیرند تا وظایف و تکالیفی را که محکمه بر عهده اش گذاشته است به خوبی انجام دهد» (صالحی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰). یا در سوئد «این مراقبت به وسیله

^۱ در فرانسه محکومینی که مجازات آنها معلق شده است، در دوره آزمایش «در اختیار یکی از مددکاران اجتماعی یا مأموران وابسته به اداره نظارت در تعلیق مجازات گذاشته شده و مورد کنترل و مراقبت دائمی قرار می گیرند تا وظایف و تکالیفی که دادگاه بر عهده اش گذاشته است، به خوبی انجام دهد».

سرپرستی که محکمه تعیین می‌کند و از طرف محکمه کنترل می‌شود، اعمال می‌شود. این سرپرست موظف به مواظبت و تکمیل مقررات مربوط به رفتار و دادن تعلیمات لازمه به مجرم می‌باشد (مواد ۹ الی ۱۱ قانون دوره مراقبت سوئد) «(ابوالفتحی، بی‌تا، ص ۱۷۰).

۴. ارفاق تشویقی به مرتکب

چنان‌که بیان شد، تدبیر بدیل حبس و ازجمله «دوره مراقبت» تجلی و نماد رعایت اصل فردی کردن مجازات است که در هر زمان و مرحله‌ای از تطبیق جزا، به تناسب شرایط وضعیت محکوم‌علیه تغییر پذیر است. ماده ۱۶۰ کد جزا در همین راستا، قابل ارزیابی است؛^۱ بنابراین، اگر رفتار و حالت محکوم‌علیه، در مدت سپری کردن دوره مراقبت بیانگر اصلاح او باشد و رفتار و گفتار او نشان‌دهنده اصلاح و قانون‌پذیری او باشد، محکمه فقط برای یک‌بار، می‌تواند دوره مراقبت او را حداکثر تا نصف آن کاهش دهد یا از برخی دستورهای دیگر صرف‌نظر نماید. برای مثال، شخصی به دلیل ارتکاب اذیت و آزار زن، به مدت سه سال محکوم به تحت نظارت شده است و در کنار آن، محکمه دستور داده که به مدت یک سال، به جلسه آموزشی شیوه زندگی خانوادگی شرکت کند و پس از یک سال دوره مراقبت اصلاح شده است. محکمه می‌تواند دوره مراقبت او را حداکثر تا نصف مدت باقی‌مانده کاهش دهد. برای مثال، یک سال اصل دوره مراقبت باقی‌مانده است و یک سال را به شش ماه کاهش دهد.

۵. آثار و فواید دوره مراقبت جایگزین زندان

چنان‌که در مقدمه بیان شد، زندان به‌عنوان یکی از رایج‌ترین و درعین حال، بحث‌برانگیزترین مجازات‌ها در سیستم‌های قضایی سراسر جهان شناخته می‌شود. درحالی‌که زندان می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای مجازات مجرمان و جلوگیری از تکرار جرم عمل کند، اما با چالش‌های متعددی نیز همراه است. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به افزایش جمعیت زندان‌ها، هزینه‌های بالای نگهداری زندانیان، و اثرات منفی حبس بر روحیه و روان مجرمان اشاره کرد.

^۱ «هرگاه وضعیت محکوم‌علیه نشان‌دهنده اصلاح رفتار وی باشد، محکمه می‌تواند صرفاً برای یک‌بار دوره مراقبت را حداکثر تا نصف آن کاهش داده یا از برخی دستورهای صادرشده دیگر صرف‌نظر کند».



به همین دلیل، در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به مجازات‌های جایگزین حبس از جمله دوره مراقبت شده است.

دوره مراقبت به‌عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین حبس، با هدف اصلاح و تربیت مجرمین و جلوگیری از تکرار جرم، به جای زندان برای آنها در نظر گرفته می‌شود. در این دوره، مجرمین تحت نظارت و مراقبت قرار می‌گیرند و ملزم به شرکت در برنامه‌های آموزشی، روان‌درمانی و حرفه‌آموزی می‌شوند. برای تدبیر دوره مراقبت آثار و فوایدی مترتب است که به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۵. آثار دوره مراقبت

الف) کاهش جمعیت کیفری محابس

یکی از مهم‌ترین آثار دوره مراقبت، کاهش تعداد زندانیان است. با استفاده از این مجازات، از ورود افراد به زندان و تحمل آثار منفی آن جلوگیری می‌شود.

ب) اصلاح و تربیت مجرمین

دوره مراقبت فرصتی را برای مجرمین فراهم می‌کند تا با شرکت در برنامه‌های آموزشی، روان‌درمانی و حرفه‌آموزی، رفتار خود را اصلاح کنند و برای زندگی سالم در جامعه آماده شوند.

ج) جلوگیری از تکرار جرم

با اصلاح رفتار مجرمین و افزایش مهارت‌های آنها، احتمال تکرار جرم کاهش می‌یابد.

د) کاهش هزینه‌های قضایی و محابس

دوره مراقبت در مقایسه با محابس، هزینه‌های کمتری را بر دولت تحمیل می‌کند و از تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر دولت و ملت جلوگیری می‌کند؛ زیرا با کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و هزینه‌های قضایی، هزینه‌های دولت نیز کاهش می‌یابد.

هـ) حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی

دوره مراقبت به مجرمین اجازه می‌دهد تا در جامعه و در کنار خانواده خود زندگی کنند و از آسیب‌های ناشی از دوری از خانواده و جامعه در امان باشند.

الف) بازگشت سالم مجرمین به جامعه

با اصلاح رفتار مجرمین و افزایش مهارت‌های آنها، مجرمین می‌توانند به‌عنوان افراد مفید و سازنده به جامعه بازگردند.

ب) کاهش آسیب‌های اجتماعی

با کاهش تکرار جرم، آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن نیز کاهش می‌یابد و روان جامعه از دست کسانی که اراده نقض قانون را دارند، در امان می‌ماند و با اصلاح رفتار مجرمین و جلوگیری از تکرار جرم، امنیت جامعه افزایش می‌یابد.

ج) حفظ حقوق انسانی مجرمین

در سازوکار تدبیر دوره مراقبت، حقوق انسانی و اساسی مجرمین، بیشتر و بهتر رعایت می‌شود و از آنها در برابر آسیب‌های ناشی از زندان و زندانبانان محافظت می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه‌گیری

- ✓ این تحقیق به چندین یافته مهم در مورد اثربخشی اقدامات دوره مراقبت به‌عنوان جایگزین حبس و تأثیر آنها بر جامعه دست یافته است:
- ✓ **کاهش بازگشت به جرم:** اجرای جایگزین‌های جامعه‌محور برای حبس ازجمله دوره مراقبت باعث کاهش قابل‌توجه بازگشت مجدد به جرم می‌شود. افرادی که در برنامه‌های توان‌بخشی و توانمندی‌های زندگی شرکت کنند، در مقایسه با افرادی که در محبس هستند، کمتر احتمال ارتکاب جرم مجدد را دارند.
- ✓ **بهبود انسجام اجتماعی:** رویکردهای مبتنی بر واکنش جامعه‌محور، پیوندهای اجتماعی را قوی‌تر می‌کند. با مشارکت دادن اعضای جامعه در روند توان‌بخشی و اصلاح، مجرمان بیشتر احساس حمایت و ارتباط دارند که می‌تواند به کاهش رفتار مجرمانه منجر شود. تدبیر ادغام اجتماعی برای کاهش میزان جرم و جرائم و افزایش ایمنی جامعه بسیار مهم است.
- ✓ **کاهش هزینه‌ها:** برنامه‌های جامعه‌محور در ارتباط با مرتکب، اغلب موجب صرف هزینه کمتر از حبس سنتی هست. هزینه‌های مرتبط با نگهداری محابس و محبوسین را می‌توان به سمت برنامه‌های مؤثرتر پیشگیری از جرم هدایت کرد.
- ✓ **توصیه‌های سیاست‌گذاری:** براساس نتایج، پیشنهاد تغییر سیاست به سمت اتخاذ اقدامات غیر حبس را توصیه می‌کند؛ مانند خدمات صحت روان، برنامه‌های آموزشی و آموزش حرفه‌ای و این رویکرد برای ایجاد یک سیستم عدالت جزایی عادلانه و مؤثر ضروری تلقی می‌شود.

منابع

۱۶. آنسل، مارک (۱۳۸۲). دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری، و علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: گنج دانش.
۱۷. ابوالفتحی، ابوالفتح (بی تا). تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران و حقوقی تطبیقی. رساله دکتری حقوق جزا، دانشگاه تهران.
۱۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸). شرح کد جزا. کابل: بنیاد آسیا.
۱۹. صالحی، جاوید (۱۳۸۹). کیفر شناسی. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۲۰. هامایی، کواشی، و همکاران (۱۳۷۷). تعلیق مراقبتی در دنیا، ترجمه حسین آقایی نیا. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲۱. کد جزا، مصوب ۱۳۹۶.
۲۲. طرز تطبیق بدیل حبس و حبز ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی ۱۳۹۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

